

■ **نقیشه ابراهیم‌زاده انتظام**

**چرا دبیری کار گروه مطالعات زنان را به یک خانم نسپردند؟**

مباحث حوزه‌های تخصصی، از جمله مباحث جنسیتی، لزوماً ناظر به این نیستند که یک جنس مشخص آنها را پیگیری کند، مثلاً مسائل اشتغال و علمی زنان کاملاً تخصصی هستند و پسوند زنان در آنها به معنای وجود محدودیت جنسیتی در مطالعه و بررسی نیست، بلکه همین خاطر است که پژوهشگران حوزه‌زنان فقط خانها نیستند، مباحث مطرح در حوزه‌های دانشگاهی و فناوری و علمی ممکن است مربوط به یک قشر یا یک موضوع خاص باشد، اما به طور کلی جنسیت در آنها یک متغیر تعیین‌کننده نیست، در غیر این‌صورت در بسیاری از جاها که متناسب با آن جنسیت نیست، مداخلیتی قرار ندهیم. **با این حال مطالبه خانم‌ها این است که حداقل مسائلی که مربوط به خودشان است به آنها واگذار شود.**

این نکته قابل بحث است.اینکه بانوان مسائل مربوط به خود را باید برند منطقی است و هیچ منعی هم ندارد ولی اینکه آیا مانع می‌شود که دیگران هم به این مسائل بپردازند جای سؤال و تردید جدی است.امروزه جوامع علمی از این بحث گذر کرده‌اند که هر جنس به مسائل جنسیتی مربوط به خود بپردازد. در همه جای دنیا در مباحث نظری و علمی در حوزه زنان صاحب‌نظران و پژوهشگران فارغ از جنسیت کار می‌کنند. در اشتغال زنان می‌توانید دهها استاد دانشگاه و پژوهشگر را معرفی کنید که از جامعه مردان هستند، بنابراین یک الزام علمی و تخصصی در این زمینه وجود ندارد و بیشتر بحث سسر این است که آن حوزه تخصصی فارغ از مسائل جنسیت مورد شناسایی قرار بگیرد. به همین خاطر در کار گروه ما هم اساتید و پژوهشگران خلم حضور دارند و هم اساتید و پژوهشگران آقا.

**در حال حاضر در کشور ما تئوری‌های حوزه زنان با واقعیات این حوزه چقدر همخوانی دارد؟**

سؤال شما خیلی کلی است. کدام تئوری و کدام واقعیت؟ تا این مسئله مشخص نباشد نمی‌توان به سؤال شما جواب علمی داد. همچنین این سؤال را نمی‌شود با نفی و اثبات پاسخ داد و احتیاج به شکافتن بیشتری دارد.در حال حاضر اشکال موجود در نظام علمی ما عدم ارتباط بین دانشگاه و جامعه است. این جامعه متناسب با هر رشته علمی و تخصصی متفاوت است.مثلاً برای رشته‌های فنی، صنعت و اقشار اجتماعی است. نسل‌های پیشرفته دانشگاه‌ها کاملاً عجین و مرتبط با مسائل جاری جامعه هستند. در حقیقت بده بستایی بین جامعه علمی و نهاد‌های اجتماعی وجود دارد و بر برخی از زوودهای با یکدیگر بده بستان، مداخلات و تأثیر و تأثراتی دارند. مثلاً گاهی یک جامعه‌شناس و

مردم‌شناس سئالی از کف جامعه را می‌شناسد و به عنوان یک مبحث علمی در دانشگاه مطرح می‌کندو یاد در موضوع آسیب‌های اجتماعی که یک بحث انتزاعی ذهنی صرف نیست، اگر می‌خواهید فرمول‌هایی برای آن شناخت، کاهش و کنترل و حل یک مسئله یا آسیب اجتماعی ارائه کنید باید کاملاً متناسب با وضعیت میدانی و کف جامعه باشد. گاهی اوقات این ارتباط و شناخت وجود ندارد. یعنی ممکن است جامعه علمی فارغ از آنچه در کف جامعه می‌گذرد به مباحث صرف بپردازد. کما اینکه اینطور هم است.در مباحث مربوط به بهداشت زنان و خانواده هم همینطور است. یعنی این انقطاع است و اتفاقاً یکی از اصول حاکم بر بازنگری و تحول علوم انسانی و یکی از شاخص‌های مهم آن کارآمدسازی و بهبود شرایط زندگی است. این علوم انسانی و تحول علوم انسانی چهر شاخصی دارد که کارآمدسازی و بومی‌سازی مربوط به ایجاد ارتباط بین نظام اجتماعی با نظام دانشگاهی است. بر این اساس قرار نیست مطالب کلی و منترزع و بدون داشتن بار معنایی و مفهومی و اجرایی خاص در دانشگاه‌ها پیگیری شوند.در حالی که در حال حاضر برخی از مباحثی که سایر جوامع از نظر علمی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند به صورت ترجمه وارد جامعه علمی ما شده‌اند و بسیاری از آنها از مسائل جامعه ما برخاسته‌اند. بنابراین این ممکن است مبتنی بر نیازها، خواسته‌ها و جریان‌ها و نطمه‌های موجود مختلف فمینیسم یا خود فمینیسم به عنوان یک جریان علمی در جامعه ما مناسبتی ندارد چون اساساً خاستگاه آن جامعه دیگری است یا آسیب‌ها و مسائل هر اجتماعی منحصر به همان اجتماع است. در نتیجه برای اثر بخشی و کارآمدسازی مسائل باید از برداختن علمی و نظری صرف به آنها رهییز و به جنبه کاربردی آن توجه شود. با توجه به اینکه ارزش‌های هر جامعه با جامعه دیگر می‌تواند متفاوت باشد، نشود نگاه علمی که به آن جامعه می‌شود هم می‌تواند متفاوت باشد. از این جهت می‌توانیم به صورت کلی بگوییم مباحث و نظریات و تئوری‌هایی که در حوزه زنان و خانواده در مجامع دانشگاهی دنیا مطرح می‌شود کاملاً منطبق با آنچه در جامعه ما می‌گذرد نیست و در برخی موارد هم کاملاً مغایر و متضاد با آنها و بر خلاف منابع و مصالح و وضعیت فعلی جامعه مخاطب است.

**زنان و جوانان همیشه نقطه نفوذ افکار غربی به کشور ما بوده‌اند و همواره حقوق زنان به عنوان پرچمی برای مبارزه علیه سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی به کار برده می‌شود. با توجه به اینکه حضرت آقا در مورد نفوذ تأکید خاصی داشته‌اند و در رابطه با اصلاح مسائل اجتماعی نگاه ویژه‌ای دارند، بفر ما پید راه‌های نفوذ به حوزه زنان کدام هستند و اصلامستولان اجرایی ما این راه‌ها را می‌شناسند و در برابر آنها واکنسینه هستند که بتوانند جامعه زنان را محافظت کنند یا خیر؟**

مسئله نفوذ را می‌شود از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد؛ یکی آماج و جامعه مخاطب نفوذ است، یکی در مورد روش ها و برنامه‌های نفوذ است، یکی هم اهداف آن است و یکی هم نهادها یا ابزارهایی است که برای نفوذ به کار گرفته می‌شوند. از نظر علمی نفوذ یک امر کاملاً واقعی و دارای مستندات، برنامه‌ها و سناریوهای است که بحث مستوفایی می‌طلبد. ولی در بحث زنان و خانواده می‌تواند در لایه‌های سیاستگذاری و مطالعات علمی و آکادمیک چه به صورت رسمی و چه غیررسمی باشد. نفوذ



**رئیس کارگروه مطالعات زنان شورای تحول علوم انسانی در گفت‌وگو با «جوان»:**

# دفاع وارداتی از حقوق زن خانواده را نابود می‌کند

**هر جای خالی در عملکرد و مطالعات ما فرصتی برای نفوذ در اختیار دشمن می‌گذارد. حوزه زنان و کمبود سیاست‌ها و راهبردها در آن یکی از این جاهای خالی است که ما را در برابر نفوذ آسیب‌پذیر کرده است. از طرفی ضعف و کم‌کاری ما در تفسیر و اجرایی کردن مبانی دینی در رابطه با حقوق زن و خانواده این فرزه را بزرگ‌تر کرده است. این در**

**حالی است که بیش از دو دهه از ورود علمی و دانشگاهی ما به مسئله زنان و خانواده می‌گذرد و با این وجود نتوانسته‌ایم راه‌های نفوذ را حتی بشناسیم. این ضعف به ویژه در حوزه مدیران اجرایی و سیاستگذار آسیب‌هایی جدی متوجه بنیان‌های فکری ما کرده است که نشانه‌های آن را در افزایش سن ازدواج، کاهش فرزندآوری و تهدیدات حول این مسائل**

مباحثی که وارد می‌شود حتماً از نظر علمی باید مورد بحث و نقادی قرار بگیرند و بر اساس شاخص‌ها و متدها و روش‌های بومی خودمان آنها را بسنجیم و متناسب با نیازهای خودمان آنها را شکل دهیم. در غیر این صورت نفوذ از لایه بحث نظری صرف و اندیشه‌ای به بحث عمل می‌رسد و آن وقت دیگر نفوذ به مراحل حاد می‌رسد. هر مرحله نفوذ مراحل بعدی را زمینه‌سازی می‌کند. مدل نفوذ این است که وقتی شما سرپلی را در اختیار رقیب قرار دادید باعث می‌شود به همین ترتیب رشد سرطانی پیدا کند و بقیه خانه‌ها را هم پر کنند. اینطور نیست که گویید کلان‌الاین را پذیرفته‌ایم کاری نمی‌شود کرد. این مدل پیوندی است که وقتی زده می‌شود تأثیر خود را در بقیه هم می‌گنارد و چون این پیوند ناساز و ناهماهنگ با کلیت است سعی می‌کند پروژه نفوذ را عمیق‌تر کند. اگر ترازبور سرپلی نداشتند الان با همین نظر به پردازی در نفوذ به دایره ما سرپلی را اختیار دارند.

**به نظر می‌رسد در بحث حقوق زنان و کودکان آسیب‌پذیر تر هم هستیم.**

برخی از مسیرها و ابزارهای دشمن و نظام سلطه برای نفوذ در کشور ما همین‌ها هستند. حقوق بشر، حقوق زنان، مقابله با تروریسم، ورزش و محیط زیست ابزار هستند و ممکن است از این راه‌ها مداخله صورت بگیرد. مثلاً بسیاری از قوانین و مقررات ورزشی در سطح ملی، حتماً باید با قوانین و مقرراتی که سازمان‌های بین‌المللی ورزش تعیین کرده‌اند همخوانی داشته باشد و اگر یک مقرره ملی و داخلی با آنها معارض باشد باید این را لغو کنید. اگر لغو نکنید مشروطیت ناپدید و مورد تعلیق قرار می‌گیرید و نمی‌توانید در مسابقات حضور پیدا کنید. در حقیقت سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی که می‌تواند برای صلح بین ملت‌ها مورد استفاده قرار بگیرد و از نزاع‌ها و تنش‌ها جلوگیری بکند و توسعه و متوازن بین ملت‌ها را رقم بزند و مانع افزایش تنش و شکاف بین شمال با جنوب شود در عمل به صورت یک ابزار نفوذ در آمده‌اند. شواهد کافی برای این وجود دارد. کافی است ببینید از ابزار سازمان ملل که می‌تواند برای ترویج صلح باشد برای ترویج خشونت استفاده می‌شود. این در بحث حقوق زنان و کودکان هم هست. مثلاً کنوانسیون حقوق کودکان که سال ۷۲ جمهوری



حوزه‌ها بسیار حساس هستند و نظام سلطه و دشمن سال‌ها روی اینها کار کرده و کماکان هم می‌کند. جامعه زنان گسترده است و جوانان قشر مؤثر و حساسی در جامعه هستند و می‌شود روی اینها کار کرد. به همین خاطر بر ورودی‌هایی که برای این حوزه‌ها هست باید دقت بیشتری داشت و این دقت و بیداری را در عمل هم با داشتن معیار باید نشان داد. ما معیار داریم. معیار ما استاندارد بالادستی ما و رهنمودهای امام(ره) و مقام معظم رهبری و قانون اساسی است. این معیار و شاغولی است که می‌توان تعطیلی‌ها را درست، پس در عین حالی که منافع جمهوری اسلامی و نظام و مردم در این تعاملات و گفت‌وگوها و حضور در میدان‌های بین‌المللی را باید در نظر بگیریم، نسبت به حفظ حقوق و ماهیت جریان‌های بومی خودمان در حوزه زنان و خانواده هم باید تلاش کنیم. به این شکل که معاهدات و مبانی علمی که به ما ارائه می‌شود را با روش علمی خودمان مورد بحث و بررسی قرار بدهیم و بر اساس ارزش‌هایی که داریم نسبت به نقض‌ای، پذیرش مشروط یا رد مطلق آنها اقدام کنیم و هیچ وقت به صورت پذیرش مطلق آنها گام برنداریم.

**آیا رفع مسائل زنان ایجاد یک مرکز فراقوه‌ای الزام می‌کند یا خیر یا تأسیس این مرکز تنها انرژی از نظام خواهد گرفت؟**

مسائل زنان به خودی خود فرابخشی است، یعنی

آنچه در ظاهر به عنوان اهداف صلح‌جویانه می‌بینیم واقعی نیست

**و آنچه به عنوان دفاع از حقوق بشر گفته می‌شود، در واقع یک ابزار است. بنابراین باید حتماً هوشیار باشیم. برای مقابله با نفوذ گام اول هوشیاری، بیداری و ارزیابی است. اینکه هیچ چیز را به صورت در بسته نپذیریم و حتماً هر چیز را مورد مذاقه و بررسی لازم قرار دهیم. کما اینکه در این حوزه‌ها پر نامه‌های دشمن از نفوذ گذشته و به تهاجم رسیده است**

اسلامی به آن پیوسته است، مفادی دارد که با مبانی دینی ما تعارض دارد. گر چه ما در آنجا خود تحفظی هم برای خودمان گذاشته‌ایم ولی بعداً تحت فشار سازمان‌های بین‌المللی باید یکی پس از دیگری از آنها عدول کنیم یا در کنوانسیون رفع تبعیض پکن آن هم مفادی وجود دارد که با مبانی دینی و ارزش‌های بومی کشورهای مختلف در تعارض است. بنابراین نظام سلطه می‌خواهد ارزش‌ها و اهداف خود را در معاهدات و از مسیر سازمان‌های بین‌المللی مورد پیگیری قرار دهد. **پس با توجه به شیب فزاینده اخیر معاهدات بین‌المللی به ویژه در حوزه زنان این آسیب یا این هشدار به نظر جدی‌تر از قبل می‌رسد؟**

نظام جمهوری اسلامی و مجموعه‌قوای مقننه، مجریه و قضائیه یکسری ارتباطات بین‌المللی دارند و باید هم داشته باشند. یکسری معاهدات هم به عنوان معاهدات، کنوانسیون‌ها و بیانیه‌های بین‌المللی هست و جمهوری اسلامی هم باید در اینها حضور داشته باشد. ضمن اینکه حضور در میدان‌های جهانی و الهام‌بخش بودن برای آنها و دفاع از ملت‌های مظلوم جزو اهداف قانون اساسی ما است. میرش هم این است که حضور مؤثر و مقتدر و با حرف و حساب در آن مجامع و مداخله و تنظیم آن معاهدات است. باید بدانیم آنچه در ظاهر به عنوان اهداف صلح‌جویانه می‌بینیم واقعی نیست و آنچه به عنوان دفاع از حقوق بشر گفته می‌شود، در واقع یک ابزار است. بنابراین باید حتماً هوشیار باشیم. برای مقابله با نفوذ گام اول هوشیاری، بیداری و ارزیابی است. اینکه هیچ چیز را به صورت در بسته نپذیریم و حتماً هر چیز را مورد مذاقه و بررسی لازم قرار دهیم. کما اینکه در این حوزه‌ها برنامه‌های دشمن از نفوذ گذشته و به تهاجم رسیده است. جنگ دشمن و نظام سلطه با نظام اسلامی در همین‌هاست و خودشان هم اعلام کرده‌اند. از هر جنبه‌ای هم که عقبت‌بینی کنیم، جنبه جدیدی علیه ما طراحی می‌کنند. اتاق‌های فکر، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی‌شان در اختیار نظام سلطه و سرویس‌های جاسوسی هستند و ممکن است در ظاهر هم خیلی آزاد و آکادمیک و مدنی فعالیت کنند ولی در باطن اهداف آنها را تأمین و تضمین می‌کنند و روش‌های نفوذ را به آنها یساید می‌دهند. بنابراین این



گفت قانون اساسی حوزه زنان است. آن ستاد هم در حکم کابینه ویژه زنان و خانواده و دارای اختیارات خوبی است. مصوباتی هم مانند برنامه جامع تشکیل و تعالی خانواده داشته و تقسیم کار در مورد آن صورت گرفته است. پس هم سیاست، هم برنامه و هم نهادش وجود دارد. ممکن است مشکلاتی در پیگیری‌ها و تأمین اعتبارات یا در تشکیل جلسات و نحوه هماهنگی‌ها باشد که حتماً اشکالات و ناراسی‌هایی در موارد داریم. همانطور که ممکن است قانون، سیاست و برنامه داشته باشیم ولی به خوبی به اجرا درنیاید. اجرای موضوعی که ده‌ها سازمان در آن دخیل هستند یک فناوری است. مثلاً جادوسازی و اقلایسه‌کنند یا سبک زندگی اسلامی. در اولی یک دستگاه و در دومی همه دخیلند؛ در نتیجه کار خیلی سخت می‌شود. اگر یک دستگاه کار خود را درست و به موقع انجام ندهد جلسه ستاد تشکیل نمی‌شود یا اگر هم تشکیل شود، مصوبه‌اش به اجرا در نمی‌آید. در مسائل فرابخشی باید همه دست‌اندر کاران نقششان را درست و به موقع ایفا کنند. هیچ کس هم نباید منتظر کس دیگری باشد. هر کس باید وظیفه خود را به انجام برساند. یعنی وقتی وظیفه‌ای تلقی و الماق می‌شود، فرض بر این است که مطالعات علمی، مشارکت‌نخبگان و صاحب‌نظران و خبرگان صورت گرفته، بعد فرایندهای تصمیم‌گیری در مراجع ذیربط را طی کرده است. برای اجرایی شدن گام‌های دیگری باید برداشته و زیرساخت‌هایی فراهم شود. نرم‌افزار، سخت‌افزار، بودجه و اعتبار می‌خواهد. البته بودجه و اعتبار کمترین‌هاست. عزم وجدیت و فهم درست از مسئله و درک درست و استمرار می‌خواهد. هر کدام از اینها که نباشد سیستم‌به‌گرددش در نمی‌آید.

چون مسائل زنان فرابخشی است مثل هر موضوع فرابخشی دیگر باید یک نهاد عالی فرابخشی با داشتن اختیارات و اقتدار و امکانات کافی بتواند آن مسئله را خوب ببیند و همه بازیگران را سهم و نقش بدهد و مهم‌تر از همه نهادها و گروه‌های مردمی در کنار سازمان‌های حاکمیتی و دولتی در کنار هم قرار بگیرند. فکر می‌کنم تمام این ابزارها بر اساس یک برنامه‌ریزی، کلان‌نگری و آینده‌نگری تأمین شده و زیرساختش فراهم است و شورای عالی انقلاب فرهنگی کاری که باید در این عرصه انجام می‌داده، انجام داده است. البته نمی‌گوییم نهایی و قطعی است و هیچ‌گونه امکان اصلاحی نیست. امکان اصلاح هم هست. در مصوبات شورای عالی پیش‌بینی شده که در دوره‌های زمانی اصلاحات مورد نیاز انجام شود. مضاف پسر اینکه فرآیندی که برای اینها داریم کاملاً علمی و مبتنی بر



بهره‌گیری از دانش موجود در کشور در سطوح مختلف خبرگان و نخبگان است. معمولاً به ثمر نشاندن کارهای فرابخشی مشکلات و مسائل خاص خود را می‌طلبد. تشکیل جلسات بحث اندکی از آن است و گام اصلی این است که مسئله را خوب بفهمیم. شناخت مسئله گام اول است. تا مسئله را خوب درک نکنید به سمت راه‌حلش نمی‌روید. بعد باید بپذیریم آنچه را که الان به عنوان حل مسئله ارائه شده، یک امر ملی و فرابخشی است.

**الان مسئله در حوزه زنان چیست؟**

مسائل زنان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مسائل نوپدید است که در این حوزه‌ها داریم.

**دو دهه است به صورت آکادمیک وارد مسائل زنان و مطالعات این حوزه شده‌ایم و این مسئله وارد دانشگاه‌ها و مباحث درسی ما شده است. از طرفی شیب آسیب‌های حوزه زنان در همین مدت افزایش داشته است. فکر می‌کنید چه ارتباطی میان این دو هست؟ آیا هر چه حساسیت‌ها نسبت به این مسئله افزایش پیدا کرده آسیب‌های آن هم بیشتر شده است؟**

وقتی دو متغیر را با هم می‌سنجید ممکن است بین آنها همبستگی مثبت یا همبستگی منفی ببینید. سامان‌یابید کردن مطالعات موجب افزایش آسیب‌ها نشده است. تا به حال هیچ رابطه‌ای بین مطالعه و واقعیت امر خارجی دیده، کشف و اثبات نشده است. نکته این است که طرح مباحث وارداتی زنان و باز تولید اینها این تأثیر را می‌گذارد. یعنی طرح مسائل وارداتی در حوزه زنان و باز تولید آنها به عنوان یک مسئله حوزه زنان و دامن زدن در میان جامعه زنان و ایجاد حساسیت در مورد آنها آسیب‌های کنونی زن و خانواده را رقم زده است. یکی از آنها مسائلی است که در مورد حقوق زنان مطرح می‌شود. در صورتی که طبق شرح مقدس و قانون اساسی و سایر قوانین حقوق زنان باید حفظ شود ولی نحوه طرح آنها باعث دامن زدن به برخی اختلافات و درگیری‌های بین زن و مرد شده است.